ZENDEGI-SALAM
روزنامه خراسان رضوی
یک‌شنبه • ۲۴ آبان ۱۴۰۵
۵ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۵ نوامبر ۲۰۲۶
شماره ۲۲۱۹۴
۶۲۲۲

در اکولا در کتاب‌فروشی‌های ایرانی

به مناسبت روز کتاب و کتاب‌خوانی با سعید زاشکانی، طراح جلد کتاب و پوسترهای سینمایی که ایده‌های جالبش این روزها در فضای مجازی پربازدید شده، درباره کتاب‌های خاص و پوسترهای خاطره‌انگیزی که ایده‌پردازی کرده است، گپ و گفتی داشتیم

شایان اله آبادی | روزنامه‌نگار



شاید برای نسل‌های گذشته، کتاب و کتاب‌خوانی بخشی جدانشدنی از زندگی روزمره بود؛ از ورق زدن روزنامه در ابتدای صبح گرفته تا ساعت‌هایی که با یک کتاب و دنیای داستان‌هایش سپری می‌شد. اما امروز، در روزگاری که تلفن‌های همراه، فایل‌های «PDF» و کتاب‌های صوتی سهم بزرگی از اوقات فراغت جوانان را به خود اختصاص داده‌اند، کتاب کاغذی برای بسیاری به تجربه‌ای دور تبدیل شده است. در این میان، خلاقیت در طراحی جلد می‌تواند دریچه‌ای تازه برای آشتی بسیاری از مردم به‌خصوص نسل جدید با کتاب باشد. سعید زاشکانی، طراح جلد کتاب و پوسترهای سینمایی، از جمله افرادی است که با خلق جلدهایی متفاوت، چشم‌نواز و گاه غیرمنتظره تلاش کرده توجه مخاطبان جوان را به کتاب جلب کند؛ در همین زمینه، طراحی‌های اخیر او مثل جلد کتاب «دراکولا» و «فرانکنشتاین» بسیار محبوب و فراگیر شده‌اند. به‌بهانه روز کتاب و کتاب‌خوانی با او درباره مسیر حرفه‌ای، ایده‌های متفاوتش در طراحی کتاب و نقش خلاقیت در جذب مخاطبان تازه به دنیای مطالعه گفت‌وگو کرده‌ایم.



آغاز یک مسیر هنری از نوجوانی

آقای زاشکانی درباره آغاز فعالیت هنری و نخستین تجربه طراحی کتابش توضیح می‌دهد: «از دوازده، سیزده سالگی که وارد هنرستان گرافیک شدم، کار گرافیک را شروع کردم. بعد از هنرستان هم همین رشته را در دانشگاه ادامه دادم و تا مقطع کارشناسی ارشد پیش رفتم. از همان روزهای اول هنرستان، یکی از درس‌هایی که داشتیم طراحی کتاب بود. در حدود سیزده، چهارده سالگی جلد کتابی را طراحی کردم. آن کتاب چاپ شد و همان تجربه، من را وارد مسیری کرد که هنوز هم در آن فعالیت می‌کنم. البته در کنار کتاب، کارهای دیگری مثل طراحی پوسترهای سینمایی، جلد کاست‌های صوتی و سی‌دی را هم انجام داده‌ام، اما همیشه علاقه داشتم بیشتر با طراحی کتاب شناخته شوم؛ به‌خصوص که در خانواده ما هم پیشینه و علاقه به کتاب وجود داشته است.»

از طراحی دستی پوستر تا همکاری با سینماگران

این طراح درباره تجربه خود در طراحی پوسترهای سینمایی و گذار این حرفه از شیوه‌های دستی به طراحی دیجیتال و تجربه شاگردی نزد طراحان قدیمی پوستر می‌گوید: «پیش از رواج سیستم‌های چاپ و ورود رایانه، پوسترها با دست طراحی و اجرا می‌شدند. من این شانس را داشتم که شاگرد اولین طراح پوستر ایران؛ آقای میشا گاگوسیان باشم؛ برای نمونه، پوستر فیلم «دختر لر» را ایشان طراحی کرده بود. ما نسلی هستیم که پیش از فتوشاپ با گواش و ابزارهای دستی پوستر می‌ساختیم، اما وقتی کامپیوتر وارد شد، تلاش کردیم خودمان را با شرایط جدید هماهنگ کنیم. یکی از تجربه‌های به‌یادماندنی‌ام به طراحی پوستر فیلم «قرمز» مربوط می‌شود؛ طرحی که در آن تصویر چهره محمدرضا فروتن به شکلی پاره‌شده دیده می‌شد و تصویر هدیه تهرانی از آن بیرون می‌آمد. این طرح برای من بود و قرار بود این طرح را با دست اجرا کنیم، اما همزمان با ورود رایانه تصمیم گرفته شد کار به شکل دیجیتال انجام شود. با دشواری فردی را برای اجرای آن پیدا کردم؛ با این حال، در نهایت نام او به‌عنوان طراح ثبت شد. بعدها برای آثاری مانند پوستر خارجی



فیلم «سگ‌کشی» و همچنین پروژه‌هایی چون «من ترانه پانزده سال دارم» و نسخه‌های ویدئویی و سی‌دی آثار سینمایی طراحی‌هایی انجام دادم. همین ارتباط‌ها باعث شد برخی از سینماگران هنگام ورود به حوزه کتاب هم به من مراجعه کنند. از جمله، نخستین رمان مسعود کیمیایی، «جسدهای شیشه‌ای»، را طراحی کردم. چاپ اول این کتاب طراحی متفاوتی داشت و برای ایجاد بافتی برجسته، از نواری تنظیفی روی جلد استفاده کردم؛ به‌گونه‌ای که مخاطب می‌توانست آن را لمس کند. همچنین کتاب شعر کیمیایی و دو فیلم‌نامه ناصر تقوایی، «کاغذ بی‌خط» و «چای تلخ»، از دیگر تجربه‌های من بودند.»

هر کتاب، هویت و روایت خودش را دارد

زاشکانی درباره نخستین تجربه‌هایش در طراحی متفاوت جلد کتاب می‌گوید: «یکی از نخستین تجربه‌هایم به مجموعه‌ای از آثار جبران خلیل جبران، در حدود سال ۱۳۸۲، بازمی‌گردد. در آن کار، طرح جلد را از روی خود کتاب برداشتم و قطعه‌ای جداگانه، شبیه کارت‌پستال، به آن افزودم که بانخ به کتاب متصل می‌شد. ایده این بود که مخاطب می‌تواند این بخش را جدا کند و کنار بگذارد و سپس خود کتاب را بخواند. در ادامه هم همین نگاه را در مجموعه‌ای که در حوزه ادبیات بزرگسال طراحی کردیم دنبال کردم. کار را با «هزار و یک شب» شروع کردیم و بعد به آثاری مانند «شاهنامه» رسیدیم. نکته‌ای که برایم اهمیت داشت این بود که هر کتاب ایده خودش را داشته باشد. نمی‌خواستم همه کتاب‌ها فقط یک شکل و یک ظاهر داشته باشند؛ هر کدام باید داستان و هویت جداگانه‌ای در طراحی پیدا می‌کردند.»

وسواس ناصر تقوایی در دست‌نوشته‌ها

آقای زاشکانی درباره تجربه طراحی آثار ناصر تقوایی و استفاده از دست‌نوشته‌های او می‌گوید: «وقتی دست‌نوشته‌های آقای تقوایی برای طراحی کتاب «کاغذ بی‌خط» به دستم رسید، متوجه شدم چقدر با دقت و وسواس نوشته‌اند. اگر کلمه‌ای اشتباه شده بود، آن را ساده خط نمی‌زدند؛ بخش مدنظر را با کاتر می‌بریدند و کاغذی هم‌اندازه روی آن می‌چسباندند تا متن تمیز و مرتب بماند. این دست‌نوشته‌ها برایم به‌اندازه یک کلاس آموزشی ارزش داشت؛ زیرا کتاب به آموزش فیلم‌نامه‌نویسی مربوط بود و در فیلم هم به همین موضوع توجه شده بود. ایده طراحی این بود که جنس و حال‌وهوای کاغذ کتاب، یادآور همان کاغذی باشد که فیلم‌نامه روی آن نوشته می‌شود. آقای تقوایی در ابتدا از این طراحی استقبال نکردند و حتی اعتراض داشتند. ما هم چون احتمال چنین واکنشی را می‌دادیم، کتاب را در دو شکل آماده کردیم؛ یک نسخه با صفحه‌آرایی تایپی و نسخه‌ای دیگر با همان ایده مبتنی بر دست‌نوشته‌ها.»



نگرانی درباره آینده کتاب

زاشکانی درباره جرقه‌ای که او را به سمت تجربه‌های متفاوت در طراحی کتاب سوق داد، می‌گوید: «حدود ده، دوازده سال پیش، دوستی با من تماس گرفت و گفت آخرین نسخه فیزیکی نشریه نیوزویک منتشر شده و از آن به بعد قرار است مخاطبان نسخه دیجیتال آن را بخوانند. من نه روزنامه‌نگار بودم و نه ارتباط ویژه‌ای با آن نشریه داشتم؛ اما این خبر برایم تلنگری جدی بود. با خودم فکر کردم اگر روزنامه و نشریه می‌توانند به‌تدریج از شکل چاپی خارج شوند، شاید این اتفاق برای کتاب هم رخ بدهد که داد. بعد از این اتفاق، دوستی دیگر در بازدید از نمایشگاه کتاب فرانکفورت گفت حجم کتاب‌ها کمتر شده و تقریبا دارد از حالت فیزیکی خارج می‌شود. این موضوع نگرانی‌ام را بیشتر کرد اما همان دوست گفت در بازدید از یک انتشاراتی، در بخش زیرین ساختمان با فضایی شبیه گنجینه روبه‌رو شده و تصور کرده کتاب‌های آرشیوی را در آن جانگهداری می‌کنند، اما مجموعه‌ای از کتاب‌های چاپ اول و تازه‌منتشرشده بود؛ کتاب‌هایی که با کیفیتی ویژه، طراحی‌های خاص و هزینه‌ای بیشتر تولید شده بودند. چنین آثاری را نمی‌توان به‌سادگی در قالب پی‌دی‌اف یا سی‌دی جایگزین کرد؛ باید آن‌ها را لمس کرد و با آن‌ها درگیر شد. این‌ها نسل جدید کتاب‌ها هستند و برای علاقه‌مندان کتاب، دریچه تازه‌ای در حال گشوده‌شدن است. این موضوع آن‌قدر برایم جذاب بود که آن را به‌عنوان موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد انتخاب کردم. پیش از آن هم برای ناشران مختلف تجربه‌هایی در این زمینه داشتم؛ اما بخشی از ناشران، به‌ویژه به‌دلیل نگرانی از هزینه‌ها و دشواری پذیرش تغییر، در برابر این ایده مقاومت می‌کردند. در نهایت تصمیم گرفتم خودم جدی‌تر وارد عمل شوم و با استمرار در این مسیر، امکان و ظرفیت چنین طراحی‌هایی را نشان دهم. خوشبختانه مخاطبان، به‌ویژه نسل جدید، استقبال خوبی از این تجربه‌ها کردند و همین بازخوردها انگیزه‌ام را بیشتر کرد.»



جلد کتاب؛ راهی برای نزدیک‌شدن به محتوا

در پاسخ به این پرسش که آیا طراحی متفاوت و ظاهر چشمگیر کتاب ممکن است باعث شود مخاطب به‌جای توجه به محتوای اثر، صرفاً به دلیل ویژگی‌های ظاهری آن را بخرد، زاشکانی می‌گوید: «من کاملاً برعکس این دیدگاه فکر می‌کنم. حتی زمانی که فروش کتاب در کنار خیابان یا ایستگاه‌های مترو آغاز شد و برخی ناشران به عرضه کتاب‌های سخیف و ضعیف اعتراض کردند، معتقد بودم این اتفاق می‌تواند به آینده نشر کمک کند؛ زیرا مخاطبی که کتاب‌خوان نیست و حتی به کتاب‌فروشی نمی‌رود، ممکن است در چنین فضایی برای نخستین بار کتابی بخرد. همین تجربه می‌تواند او را به کتاب‌خوانی علاقه‌مند کند. ما در مرحله اول باید دوباره مردم را به کتاب نزدیک کنیم».

مسعود کیمیایی از رد طرح جلد پشیمان شد

زاشکانی درباره تجربه طراحی کتاب «جسدهای شیشه‌ای» مسعود کیمیایی می‌گوید: «در آن زمان شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌هایی مانند اینستاگرام و واتساپ وجود نداشتند و ارتباط از طریق ایمیل هم به‌سادگی امروز نبود. آقای کیمیایی در ایران حضور نداشتند و هماهنگی درباره طرح جلد دشوار بود. تصویری را بر اساس چهره‌ها و خاطراتی از دوره‌های مختلف زندگی ایشان پیشنهاد کرده بودم؛ اما پس از توضیح تلفنی، با طرح موافقت نکردند و خواستند آن را تغییر دهیم. با وجود آماده‌شدن زینک، ناچار شدم شبانه طرح را عوض کنم تا کتاب به نمایشگاه برسد. پس از آن که کتاب به دست آقای کیمیایی رسید، از ناشر شنیدم که گفته بودند چه اشتباهی کردند دست در طرح بردند و ای کاش همان طرح نخست اجرا می‌شد».



بازآفرینی نشانه‌های ایرانی در طراحی کتاب

زاشکانی درباره ایده طراحی جلد شاهنامه و دیگر آثار می‌گوید: «برای این مجموعه به دنبال طرحی بودم که ماندگار باشد و به هویت ایرانی کتاب اشاره کند. از همین رو، به سراغ قطع خشتی رفتم؛ قطعی که نام و پیشینه آن با خشت و معماری ایرانی پیوند دارد. همچنین برای ایجاد حس ماندگاری، طرحی را روی سنگ حک کردیم و آن را در صفحه آغازین کتاب نصب کردیم. این قطعه پس از گذشت سال‌ها همچنان در جای خود باقی مانده است. ایران در زمینه کتاب‌آرایی پیشینه‌ای بسیار گسترده دارد که نسبتا فراموش شده است. دوست داشتم با استفاده دوباره از قطع خشتی، بخشی از این سنت را زنده کنم. جالب آن که این قطع در فرودگاه‌ها عرضه می‌شود برای مخاطبان خارجی هم جذاب بوده و حتی کسانی که زبان فارسی نمی‌دانند، گاهی کتاب را به‌عنوان یادگاری تهیه می‌کنند. در «هزار و یک شب» از کاشی دست‌ساز استفاده کردیم. دوست داشتم این عناصر فقط برای زیبایی نباشند، بلکه مخاطب وقتی کتاب را در دست می‌گیرد، حس کند با چیزی روبه‌روست که از یک پیشینه فرهنگی و هنری می‌آید. برای همین هم تلاش کردم هر قطعه از این مجموعه با دیگری تفاوت داشته باشد و هر کدام داستان خودش را داشته باشد. در کتابی با موضوع ایران باستان، بخشی از نقش‌مایه‌های تخت جمشید را به کار بردیم. برایم مهم بود که مخاطب، به‌ویژه ایرانیان خارج از کشور، هنگام لمس جلد، حسی نزدیک به لمس سنگ‌نگاره‌ها و آثار تاریخی ایران داشته باشد. برای مفاتیح هم از خودم پرسیدم مخاطب این کتاب معمولاً در چه فضا و حال‌وهوایی آن را می‌خواند؟ در شب‌های احیا یا فضای معنوی. به همین دلیل، ایده آینه کاری را انتخاب کردم تا حال‌وهوای اماکن مذهبی و تلالؤ آینه کاری در فضاهای زیارتی تداعی شود. این کار با همکاری هنرمندی انجام شد که در آینه کاری حرم امام حسین (ع) هم فعالیت داشته است.»



خیام؛ فراتر از تصویرهای کلیشه‌ای

آقای زاشکانی درباره نگاه متفاوتش به طراحی کتاب خیام توضیح می‌دهد: «در بسیاری از کتاب‌هایی که درباره خیام منتشر شده، تصویرهایی کلیشه‌ای دیده می‌شود؛ تصویرهایی از بزم و شراب که به‌گمان من لزوماً با ابعاد فکری و علمی او تناسب ندارند. خیام منجم و ستاره‌شناس بود و تقویم جلالی هم با نام او پیوند دارد. به همین دلیل تصمیم گرفتم در تصویرسازی کتاب، به‌جای تکرار آن فضای آشنا، بر وجه علمی و نجومی شخصیت او تمرکز کنم. نشانه‌های نجومی در سراسر طرح حضور دارند و اسطرلاب هم به‌عنوان یکی از عناصر اصلی روی جلد قرار گرفته است. این انتخاب با اشاره‌های مکرر شعرهای خیام به ستاره، گردش روزگار و اقبال ارتباط دارد. درون کتاب را با رویکردی مدرن و به‌صورت دوزبانه صفحه‌آرایی کردیم و برای برخی شعرها تصویرهایی متناسب در نظر گرفتم. در عین حال، دلم نمی‌خواست مخاطبی که به خوشنویسی علاقه دارد، از آن محروم شود؛ بنابراین بخشی مستقل با خط استادانه خوین در کتاب قرار دادیم.»



پژوهش و جزئیات پنهان در خیام

این هنرمند درباره وجه پژوهشی کتاب خیام و اهمیت تصحیح شعرها بیان می‌کند: «یکی از بخش‌هایی که این کتاب را متفاوت می‌کند، انتخاب شعرهاست. در بعضی مجموعه‌ها ۴۰۰ شعر به خیام نسبت داده شده، در حالی که همه آن‌ها واقعاً متعلق به او نیستند. آقای دکتر مظاهر مصفا با پژوهش‌های خود حدود صد و بیست رباعی را با اطمینان به خیام نسبت داده است. علاوه بر این، دوست داشتم کتاب فقط مجموعه‌ای از شعرها نباشد که مخاطب یک بار آن را ورق بزند و تمام شود. برای همین در بعضی صفحه‌ها به روایت‌ها و تصحیح‌های مختلف اشاره کردیم؛ مثلاً نشان دادیم که یک شعر در نسخه‌های مختلف چگونه خوانده یا نوشته شده است. می‌خواستم مخاطب با هر بار مراجعه به کتاب، بتواند نکته تازه‌ای پیدا کند. برای مخاطبی که می‌خواست شعرها را بشنود، لوح فشرده‌ای با صدای سعید کنگرانی، بازیگر سینما و تلویزیون، در نظر گرفتیم. او در خوانش شعرها بسیار به ما کمک کرد. آخرین شعر را سه روز پیش از درگذشتش خوانده بود و متأسفانه دیگر فرصتی برای بازبینی یا ضبط دوباره فراهم نشد؛ به احترام او، همان نسخه را منتشر کردیم.»

در اکولا و مخاطبانی فراتر از مرزها

زاشکانی با اشاره به کتاب‌هایی که برای مخاطبان جوان‌تر طراحی کرده است، می‌گوید: «پس از تجربه کتاب‌های نفیس و کلاسیک، دوست داشتم برای نسل جوان هم طراحی‌هایی انجام دهم. مجموعه‌ای را با کتاب «دراکولا» آغاز کردیم که استقبال بسیار خوبی از آن شد. حتی از کشورهایی مانند ژاپن، اسپانیا، اوکراین، مراکش و لهستان برای تهیه آن درخواست‌هایی داشتیم. این بازخوردها برایم بسیار دلگرم‌کننده بود. برخی از این کتاب‌ها سال‌ها پیش طراحی شده‌اند، اما گاهی به‌واسطه موضوع یا شرایط روز دوباره مورد توجه قرار می‌گیرند. برای نمونه، در دوره‌ای کتاب «طاعون» بیشتر دیده شد. مجموعه‌ای که قرار بود در ۱۰ جلد منتشر شود، به‌تدریج از بیست جلد هم فراتر رفت و همچنان امکان اضافه‌شدن عنوان‌های تازه به آن وجود دارد.»

